

ذلت فوری و کامل

حضرت ولی امرالله

ترجمه شده



ذلت فوری و کامل

در موقعیکه حضرت بهاءالله ضمن اعلام امر خود سوره ملوک را در ادرنه نازل فرمود میان تمام سلاطین ارض امپراطور فرانسه و پاپ اعظم از همه مقتدرتر و با نفوذتر بودند آندو نفر در شئون سیاسی و مذهبی بترتیب رتبه اول را حائز بودند بهمان جهت ذلت و خفتی که کشیدند فوری و کامل بود.

ناپلئون سوم پسر لوئی بناپارت (برادر ناپلئون اول) بشهادت اغلب مورخین بزرگترین پادشاهان عصر در اروپا بوده چنانکه میگفتند امپراطور نفس دولت است . پایتخت فرانسه جالب ترین پایتختهای اروپا و دربار فرانسه مجلل و با شکوه ترین دربارهای قرن نوزدهم بشمار میرفت . جاه طلبی یحید و حصری که در وجود او بود وی را بر آن داشت که روش عمومی خود را پیروی کرده و اقدام نا تمام او را با تمام رساند . آن وارث تخت و تاج ناپلئونی که شخصی خیال پرست و توطئه چین و متلون المزاج و مزور و بی پروا بود از سیاست دائر بر تجدید دوره حکمرانی ناپلئون اول استفاده کرده بر اضمحلال اساس سلطنت قانونی همت گماشت و چون بمقصود نائل نگردید بامریکا تبعید شد و بعد در موقعیکه برای باز گشت بفرانسه سعی و اقدام مینمود دستگیر و بحبس ابد محکوم گردید سپس بلندن فرار کرد تا اینکه در سال ۱۸۴۸ انقلاب فرانسه وسیله مراجعت او را بفرانسه فراهم کرده و او توانست که اساس سلطنت قانونی را بر انداخته و امپراطوری خود را اعلان نماید هر چند که توانست با اقدامات و نهضت های مهمی دست بزند ولی فراست و جسارت لازم برای اداره آنرا نداشت.

بچنین کسی که آخرین امپراطور فرانسه بشمار میرود و میخواست بوسیله فتوحات خارجی سلسله خود را در نظر مردم محترم جلوه دهد و حتی سودای آن در سر داشت که فرانسه را مرکز یک امپراطوری جدید مانند امپراطوری قدیم نماید . بچنین شخصی که آن زندانی عکا را که تا آن موقع سه بار از طرف سلطان عبدالعزیز تبعید و سرگون گشته بود از پشت دیوارهای قشله که در آن محبوس بود لوحی ارسال داشت که حاوی این بیان صریح و روشن و نبوت تهدید آمیز بود:



TRANSLATION



AUDIO

”نشده بانک ما یقطعک الندأ¹ (ترکھائی که در بحر اسود غرق شدند) بل الهوی لا نا بلوناک وجدناک فی معزل ...
لو کنت صاحب الکلمه ما نبذت کتاب الله (لوح اول) ورأ ظهرک اذ ارسل الیک من لدن عزیز حکیم بما فعلت
تختلف الامور فی مملکتک و یخرج الملک من کفک جزأ عملک .“

طرز پذیرفتن پیام اولی حضرت بهاءالله که بوسیله یکی از سفرای فرانسه برای امپراطور فرستاده شد از بیانی که در
اینخصوص در لوح ابن ذئب نازل شده استنباط میشود:

”لوحی (لوح اول) باو ارسال نمودیم جواب نفرمودند بعد از ورود در سجن اعظم از وزیر ایشان نامه و دستخطی رسید .
اول آن خط عجمی و آخر آن بخط خودشان مرقوم داشته بودند و اظهار عنایت فرموده بودند و مذکور داشتند که نامه را
حسب الخواش رساندم و الی حین جوابی نفرموده اند و لکن بوزیر مختار خودمان در علیه و قونسولوس آن اراضی
سفارش نمودم هر مطلبی باشد اظهار فرمائید اجرا میگردد . از این بیان ایشان معلوم شد مقصود این عبد را اصلاح امور
ظاهره دانسته اند .“

در لوح اولی حضرت بهاءالله برای امتحان صدق نوایای امپراطور مخصوصا بیک لهجه مظلومانه و متواضع تکلم فرموده و
پس از شرح و تفصیل بلیاتی که بر آنحضرت وارد آمده با این بیانات باو خطاب فرموده است:

”دو فقره بیانات که از طرف آن سلطان زمان ادا گردیده بگوش این مظلوم رسیده است در حقیقت این بیانات سلطان
تمام بیانات است که نظیر آن از هیچ سلطانی شنیده نشده است نخست آنکه در جواب دولت روسیه که سوال کرده بود
چرا در کریمه بجنگ پرداخته اید گفته اید ناله مظلومان که بدون تقصیر و نگاه در دریای سیاه غرق شده اند در
سحرگاهان مرا بیدار کرد لذا بجنگ پرداختیم و لکن این مظلومان ظلمی بالاتر از آن دیده و مصیبتی بیشتر از آن کشیده
زیرا بلیات وارده بر آنان بیش از یکروز طول نکشید در حالیکه مصائبی که این عباد متحمل شده اند بیست و پنجسال
امتداد داشته و در هر آن بلیه شدیدتری پدیدار گردیده . بیان متین دیگری که فی الحقیقه برای عالم بیان بدیعی بشمار
میرود این بود . ما وظیفه داریم که انتقام مظلومان را کشیده و بی پناهان را پشتیبانی نمائیم شهرت عدل و انصاف
امپراطور بسیاری از نفوس را امیدوار ساخته زیرا سلطان زمانرا سزاوار است که از حال مظلومان استفسار نموده و توجه
خود را معطوف حال ضعفا سازد . در حقیقت مظلومتر و بی پناهتر از این آوارگان در روی زمین کسی نبوده و
نیست . (ترجمه) .“

چنین گفته اند که آن سلطان بیایه و مغرور هنگام دریافت پیام اول آن لوح را بدور انداخته و گفت:

”اگر این شخص خدا است من دو خدا هستم“

بقراریکه از منبع موثق شنیده حامل لوح دوم برای جلوگیری از تفتیش پاسبانان آنرا در کلاه خود مخفی داشته تا موفق
شد آنرا بناینده فرانسه مقیم عکا تسلیم نماید و بقراریکه نبیل در تاریخ خود میگوید آن شخص لوح مبارک را بزبان فرانسه
ترجمه کرده برای امپراطور فرستاد و بعدها همینکه آن نبوات بوقوع پیوست در زمره مومنین داخل گردید.

1. (ترکھائی که در بحر اسود غرق شدند)

مصدق و مفهوم بیانات و انداز آمیز دهشت انگیز حضرت بهاء الله که در لوح دوم نازل شده بود بزودی آشکار گردید . آن کسی که بمیل خود جنگ کریمه را بر پا داشت و از روی غرض و کینه نسبت بامپراطور روسیه با نهایت بی صبری میخواست عهد نامه ۱۸۱۵ را برای انتقام از شکست مصیبت بار مسکو پاره کند و میخواست با فتح نظامی پایه سلطنت خود را استوار سازد ناگهان به بلیه ئی گرفتار شد که با خاک یکسان گردید و در نتیجه دولت فرانسه از رتبه اول تنزل کرده و در ردیف چهارمین دولت اروپا قرار گرفت.

جنگ سدان در ۱۸۷۰ سرنوشت امپراطور فرانسه را تعیین کرد . تمام قشون او شکست خورده و تسلیم گردیدند و این بزرگترین شکست و تسلیمی است که تا آنزمان تاریخ نشان میدهد و قرار شد غرامت کمر شکنی تادیه گردد . خود او نیز اسیر شده و یگانه فرزندش که ولیعهد او بود چند سال بعد در جنگ زولو کشته شد بدون اینکه مقاصد امپراطوری تحقق پذیرد سقوط کرده و جمهوری اعلان گردید شهر پاریس بعدا محاصره و تسخیر شد و متعاقب آن ” سال مخوف “ جنگ داخلی فرانسه که بمراتب شدیدتر از جنگ فرانسه و آلمان بود شروع گردید و در همان قصری که نمونه و آثار عظمت و غرور لوئی چهاردهم امپراطور نامی فرانسه دیده میشد همان عظمتی که تا حدی بواسطه حقارت آلمان تحصیل شده بود ویلهلم اول پادشاه پروس اعلان سلطنت کرد . با نزول بلائی که آوازه اش در سرتاسر دنیا پیچید آن سلطان کاذب و متفرعن (ناپلئون سوم) از تخت سلطنت بیزر افتاده و عاقبت الامر تا موقع مرگ بهمان نفی و تبعیدی که از روی بی وجدانی درباره حضرت بهاء الله روا داشته بود معذب و گرفتار بود.

پاپ پی نهم نیز بذلتی دچار گردید که هر چند بظاهر چندان معلوم نبود ولی در تاریخ بسیار مهم شمرده میشود . حضرت بهاء الله بچنین شخصی که خود را قائم مقام حضرت مسیح میدانست فرموده:

” قد ظهرت الكلمة التي سترها الابن (عیسی) انها قد تزلت علی هیكا الانسان . “ آن کلمه خود آن حضرت بود یعنی اب آسمانی بان کسی که خود را بنده بندگان خدا مینامید آن موعود کل قرون کشف مقام متعالی خود اعلان فرمود که :

” قد اتی رب الارباب فی ظلل السحاب “

و حضرت بهاء الله بان کسیکه خود را جانشین پطرس میدانست فرمود:

” هذا یوم تصیح الصخرة (پطرس) باعلی الصیحه ... یقول قد اتی الالب و کل ما وعدتم به فی المملکوت . “

آن زندانی ملکوتی عکا بان کسی که سه مرتبه تاج بر سر گذاشت و بعد اولین پاپی شد که خود را در واتیکان محبوس کرد امر فرمود: ” دعها (قصرها) لمن ارادها “

” بع ما عندک من الزينة الزخرفة “ ” ثم انفقها فی سبیل الله “ ” دع المملک للهلوک و اطلع من افق البيت مقبلا الی المملکوت . “ کنت ماستیای² اسقف ایمولا³ که از هنگام برقراری مقام جانشینی پطرس دویست و پنجاه و چهارمین پاپی بود که دو سال پس از اعلان امر حضرت باب بریر روحانی پاپی نشست و دوره ریاست او از تمام اسلافش طولانی تر

2. (COUNT MASTAI - FERRETTI)

3. (IMOLA)

بود همواره بواسطه دو منشوری که صادر کرد ذکرش در تاریخ باقی خواهد ماند در سال ۱۸۵۴ اعلان کرد کیفیت حامله شدن حضرت مریم عذرا یکی از اصول دیانت مسیح است که در کتاب ایقان هم باین موضوع اشاره شده و نیز در همان سال ۱۸۷۰ موسس عقیده جدید مبنی بر عصمت پاپ ها گردید پاپ مزبور که طبعا مستبد الرای و در امور سیاسی مردی بی اطلاع و در عین حال نمیخواست با افکار دیگران موافقت کند تصمیم داشت که مقام و اعتبار خود را محفوظ دارد و یا اینکه موفق شد که تا غلبه اراده خود بر دیگران مقام شاخی تحصیل و قدرت و حیثیت روحانی خود را تقویت کند ولی عاقبت الامر نتوانست فرمانروائی دنیوی که چندین قرن روسای کلیسای کاتولیک بان مباحثات میکردند محفوظ دارد.⁴

قدرت ظاهری پاپ در طی قرون عدیده بحد فوق العاده از حقارت تنزل کرده بود بطوری که چند سال قبل از زوال آن از حوادث و انقلابات مملو گردیده همچنانکه شمس ظهور حضرت بهاءالله بوسط السماء صعود میکرد بهمان قسم سایه های زوال که میراث پطرس را فرا گرفته بود بر تاریکی میافزود لوح حضرت بهاءالله خطاب به پاپ پی نهم آن زوال را تسریع کرد یک نظر اجمالی بجریان مقدرات زوال آمیز وی در طی آن سنوات برای اثبات این مطلب کافی است ناپلئون اول پاپ را از املاکش بیرون کرد . کنگره وینه مجددا او را بسمت ریاست منصوب و اداره امور را بدست اسقفها و گذار نمودند . فساد عمومی بی نظمی تشکیلات عجز از امنیت داخلی و تجدید استقرار هیئت تفتیش مذهبی یکی از مورخین را مجبور باظهار این بیان ساخته هیچ نقطه در ایتالیا و شاید در اروپا باستثنای ترکیه شبیه بحکومت پاپ اداره نمیشد رم از حیث وضعیت مادی و معنوی یک شهر ویران و خرابی بود ”بالاخره در رم شورشهایی برپا شد که منجر بدخالت اطیش گردید . پنج دولت معظم حصول اصلاحات وسیعی را که پاپ وعده کرده بود مطالبه کردند ولی پاپ عاجز از ایفای آن بود . اطیش دوباره دخالت کرد ولی فرانسه بمخالفت برخاست و تا سال ۱۸۳۸ آن دو دولت در قلمرو پاپ مراقب یکدیگر بودند و چون در آن سال خود را عقب کشیدند دوباره استبداد دربار پاپ شروع شد . و اقتدار ظاهری پاپ مورد اعتراض تابعین خود او واقع و مقدمه زوال قطعی آنرا که در سال ۱۸۷۰ اتفاق افتاد فراهم گردید . انقلابات داخلی پاپ را مجبور کرد که بلباس یک کشیش معمولی در تاریکی شب از رم که اعلان جمهوری داده شده بود فرار کند . رم بعدا بوسیله فرانسویها بوضع حکومت پیشین خود برگشت . ایجاد سلطنت ایتالیا و سیاست غیر ثابت ناپلئون سوم و شکست سدان و عملیات بیقاعده حکومت پاپ که بوسیله کلارندن⁴ در کنگره پاریس منعقد در خاتمه جنگ کریمه بعنوان ”رسوایی اروپا“ قلداد گردید امور مزبوره باعث اضمحلال بنیان حکومت متزلزل پاپ شد.

پس از نزول لوح پاپ پی نهم در سال ۱۸۷۰ ویکتور امانوئل اول با دولت پاپ بکنج بکنج و قشون خود را وارد شهر رم ساخته آنرا متصرف شد . شب تصرف شهر رم پاپ به (لاتران) رفته و با وجود کبر سن در حالیکه اشک از دید گانش میبارید با زانوهای خمیده از (پله مقدس Scala Santa) بالا رفت . روز بعد همینکه شلیک توپ شروع شد امر کرد که بیرق سفید بر فراز گنبد کلیسای پیر پیافرازند . با وجود غارت زدگی باز از اعتراف این ”انقلاب“ امتناع جستة محاجمین بقلمرو خویش را تکفیر کرده و ویکتور امانوئل را ”پادشاه سارق“ و ”غافل از هر گونه مبادی دینی و مخالف حقوق و ناقض قانون“ معرفی کرده و او را مردود شمرد ”رم“ شهر جاویدان که بیست و پنج قرن در مجد و عظمت زیسته و سلسله پاپ را احراز حق بلا معارض خود ده قرن در آن حکمرانی کرده بودند عاقبت پایتخت سلطنت جدید شده و آن حقارت و ذلتی که حضرت بهاءالله پیش بینی فرموده بود زندانی واتیکان برای خود فرار اختیار نمود.

4. (CLARENDON)

کسیکه شرح حال این پاپ را نگاشته چنین مینویسد که ” سنوات اخیر زندگانی آن پاپ سالخورده مشحون از آلام و محن بوده است . و چون مشاهده میکرد که بدین سرعت در وسط شهر رم نسبت بدیانت یحرمی شده و متصدیان امور مذهبی مورد زجر و شکنجه قرار گرفته و اسقفها و کشیشها از اجرای وظایف خود ممنوع میباشند بر تالمات جسمانی وی میافزود“

هر گونه مساعی که برای اصلاح وضعیت حاصله در سال ۱۸۷۰ بعمل آمد بی نتیجه ماند اسقف شهر پوزن^۵ برای جلب وساطت بیسمارک بنفع پاپ بورسای^۶ رفت ولی مورد اعتنا قرار نگرفت . بعدا یک حزب کاتولیک در آلمان تشکیل یافت تا بصدر اعظم آلمان فشار سیاسی وارد آورد ولی تمام این مساعی بی نتیجه ماند و آن قوه عظیمه که قبلا بان اشاره شد بناچار جریان خود را بپیماید . حتی اکنون پس از گذشتن متجاوز از نیم قرن برگشتن اقتدار صوری آن سلطان مقتدریکه با اسم او سلاطین میلرزیدند و بسلطنت دوگانه او سر تعظیم فرود میاورند منجر باین شد که بیچارگیش نمایانتر گردد . این سلطنت ظاهری که در حقیقت محدود بشهر واتیکان بود و سلطنت صوری را بلا منازع باختیار رم گذاشت بقیمت بلا شرط شناختن سلطنت ایتالیا که مدتها مورد منازعه بود بدست آمد . عهد نامه لاتران Latiran که تصور شد برای همیشه مسئله رم را حل کرده باشد موجب آن شد که برای سلطنت صوری نسبت بشهر محصور آزادی عملی را فراهم کرد که مشحون از ابهام و خطرات بود . یکی از نویسندگان کاتولیک چنین اظهار نظر کرده است:

”دو قوه شهر ابدی (رم) از یکدیگر فقط برای این جدا شدند که بیش از پیش مابین آنها مصادمه واقع گردد .“
خوبست پاپ سلطنت اینوسنت^۷ سوم مقتدرترین اسلاف خود را بیاد آورده باشد که در ظرف هیجده سال حکمرانی بر سریر پاپی گاهی سلاطین و امپراطوران را بر تخت نشاند و زمانی فرود آورد . احکام او ملل را از اجرای مراسم مسیحی باز داشت و پادشاه انگلیس تاج خود را نثار مقدم نمایند او کرد و بامر او جنگهای صلیبی دوم و سوم به وقوع پیوست .
آیا آن قوه که بان اشاره شد نمیتواند در طی سالهای مشوشی که برای عالم انسانی در پیش است درباره دایره حکومت پاپ هیجانی سخت تر و دهشت انگیز تر بوجود آورد؟

اضمحلال امپراطوری سوم و انقراض سلسله ناپلئون و در عین حال از بین رفتن تقریبی سلطنت صوری پاپ در زمان حیات حضرت بهاءالله همه مقدمه مصائب بزرگتری بود که میتوان گفت در ایام حضرت عبدالبهاء بمنصه ظهور رسید . بر اثر جنگی که اهمیت حقیقی آن تا کنون درک نشده و میتوان آنرا مقدمه این جنگ مخربترین جنگها است شمرد قوائی ایجاد گردید که میتوان سبب این مصائب هائله دانست . در طی جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ سلسله رومانفها مضمحل شد و با زوال آن سقوط سلسله های هابسبورگ و هوهانزلون تسریع یافت.

۵. (Posen)

۶. Versailles

۷. Innocent